



۲۰۱۷/۰۴/۱۶



بصیر صباح

قاچاقچیان مواد مخدر و قصرهای شیرپور " تحقیق مستند در مورد زرع ، تولید و قاچاق مواد مخدر "

قسمت ششم



تطبيق قانون، حاکمیت ملی، تحقق دموکراسی، آزادی و عدالت اجتماعی، منع قاچاق، تولید و عرضه مواد مخدر، اداره مردم سالاری، جلوگیری از جرم و جنایت از قبیل (رشوت، دزدی، مردم آزاری، زورگویی، فشار اجتماعی، تصرف داری عامه، خرید و فروش املاک دولتی، خود سري ...) خلع سلاح عمومی، معرفی مجرمین و خیانت کاران، عاملین اصلی قتل های مقامات دولتی، باگذشت سالها عمومیت نیا فته و سهل انگاری های فراوان بچشم میخورد که این نیزمصلحت اندیشی و ناگذیری دولت را به نمایش می گذارد. طی این مدت فقط و فقط فشار، زورگویی، حق تلفی، تحقیر و توهین به مردم بی دفاع و روشنفکران ستم دیده چه در داخل و چه در خارج روا داشته شده است و به شکلی از اشکال دسیسه ها و نیرنگ های گوناگون بکار گرفته شده تا جلو حقایق گویی و حقیقت نویسی روشنفکران به وسیله تفنگ داران در داخل و نمایندگان رسمی و غیر رسمی آنان در بیرون گرفته شود .

بعضی از مقامات امریکایی ادعا کرده اند که به این دلیل باید نیروهای خود را در افغانستان نگهدارند، تا از مبدل شدن افغانستان به (نارکو سنتیت) یا دولت مواد مخدر جلوگیری شود. امریکا و متحدین این کشور در زمان ورود به افغانستان مدعی بودند که "تروریسم" و مواد مخدر با هم رابطه دارد. از آنجایی که "تروریسم" از عاید به دست آمده از مواد مخدر در افغانستان تغذیه می کند، برای از میان بردن " تروریسم" باید مانع تولید مواد مخدر در این کشور شد.

سؤال اصلی این است که اگر نیروهای خارجی برای از میان بردن (نارکو تروریزم) به افغانستان آمده بودند، پس چرا در این کار توفیق نیافتند درحالیکه در طول چهارده سال گذشته، بیشترین فعالیت های نظامی این نیروها در ولایاتی متمرکز بود که بیشترین تریاک در آن تولید می شد؟ هرچند افزایش کشت و قاچاق مواد مخدر در بیش از یک دهه گذشته، به عامل خاص منحصر نمی گردد؛ بلکه مجموعه ای از عوامل و زمینه های خارجی و داخلی در آن شریک است. ولی مهم ترین آن فقدان اراده جدی بین المللی و داخلی در مبارزه صادقانه با مواد مخدر بوده و یکی از دلایل اساسی آن نفوذ، قدرت و نقش اشخاص و عناصری مربوط به باندهای مافیایی مواد مخدر است. اعترافات برخی از بالاترین مقامات حکومتی و نیز گزارش های افشاگرانه برخی از رسانه های مستقل خارجی شواهد و دلایل مبرهنی را در این ارتباط ارائه می دارند. جامعه بین المللی و حکومت افغانستان مدعی اند که میزان افزایش کشت مواد مخدر و قاچاق آن با نا امنی و جنگ در کشور، ارتباط مستقیم دارد و بنابر احصائیه آنان، ولایات نا امن بیش از سایر ولایات درگیر تولید و قاچاق مواد مخدر می باشند. بدون شک این موضوع در گسترش و افزایش کشت و قاچاق مواد مخدر اثر گذار می باشد، اما متأسفانه این ادعا به عنوان پوشاندن ناکامی ها در روند مبارزه با مواد مذکور به کار گرفته می شود. زیرا پس از سال دو هزار و دو تا چند سال در بیشتر مناطقی که کوکنار کشت می شد، امنیت تأمین بود و دلیل افزایش کشت کوکنار این بود که باند های قاچاق و مافیایی مواد مخدر برخلاف سال های قبل از دو هزار و یک، بسیار سازمان یافته تر عمل می نمودند. اگر قبل از سال دوهزار و یک دامنه فعالیت باند های قاچاق مواد مخدر محدود بود، در سال های بعدی این باند ها به شبکه های مافیایی بین المللی و منطقه ای وصل شدند.

جریان مالی غیرمشروع در افغانستان بستر فعال برای گروه های دهشت افکن و جرمی ساخته است. اما حکومت میگوید، وزارت مالیه و بانک مرکزی روی طرحی کار می کنند، که هیچ فردی نتواند به گونه غیر قانونی پول ها را انتقال دهند. بخش بزرگ از جریان های مالی در افغانستان به گونه نا مشروع صورت می گیرد، زیرا میلیارد ها دالر از طریق حواله ها و در آمد مواد مخدر در کشور ریشه های هراس افگنی و نیز تمویل گروه های جرمی را آب میدهد. از تولید و قاچاق مواد مخدر افغانستان سالانه ۷۰ میلیارد بدست می آورد، و باعث تمویل گروه های جرمی و مخالف مسلح غیر مسئول میشود و هر روز این گروه ها قوی تر شده میروند. سالانه میلیون ها دالر به گونه غیر قانونی و بدون نظارت، از طریق سالون خاص میدانی هوایی کابل از سوی زورمندان و مقام های بلند رتبه دولتی به کشور های خارجی انتقال داده می شود. پول های کابل بانک پیشین همین گونه از افغانستان به خارج انتقال یافت.

اما حکومت افغانستان برای بررسی این گزارش فرصت خواسته و تأکید می ورزد که در صورت عملی شدن طرح تازه ای از انتقال غیر قانونی پول جلوگیری خواهد شد. در سال های بعدی امریکا و هم پیمانان دیگر افغانستان ملین دالر به این کشور کمک کرده اند، اما به گونه لازم این پول ها به مصرف نرسیده و بار دیگر به کشور های خارجی انتقال داده شده است.

برطبق گزارش دفتر مبارزه با جرایم و مواد مخدر سازمان ملل متحد در افغانستان طی شش سال به ارزش هفتاد میلیارد دالر مواد مخدر، در افغانستان تولید شده است؛ اما سوال این است که از این پول هنگفت، بهره افغانستان و به خصوص دهقانان چقدر بوده است؟ از مجموع هفتاد میلیارد دالر فقط دو میلیارد دالر آن، نصیب دهقانان شده و

شصت شش میلیارد دالر آن به جیب قاچاق چیان و مافیای بین‌المللی مواد مخدر در خارج از افغانستان رفته است. این اداره معتقد است که از این میزان مبلغ دو صد میلیون دالر (سالانه بیست میلیون دالر) به مخالفین مسلح حکومت افغانستان تعلق گرفته است.

درکشورهایی چون افغانستان که توسط "حکومت‌های ناکام" اداره می‌شوند، مصرف پول در جهت مبارزه با مواد مخدر فقط می‌تواند کمک به مقامات فاسد دولتی باشد و دهقان از آن بهره نمی‌برند. درکمک ادعایی امریکا در کار مبارزه با مواد مخدر نیز مشخص نیست که این پول هنگامت چگونه در مبارزه با مواد مخدر به مصرف رسیده، اما آنچه مشخص است این است که دهقان از آن بهره‌ای نبرده است.

نقش کشورهای مصرف‌کننده غربی در جهت کاهش مصرف مواد مخدر در کشورهای خودشان می‌تواند نقش مهم در کاهش تقاضا و در نتیجه کاهش تولید در کشورهای تولیدکننده داشته باشد. مبارزه فقط در کشور تولیدکننده نمی‌تواند به نتیجه مطلوب برسد؛ زیرا اگر بنا بر هر دلیلی در تولید کاهش به عمل آید، این کاهش با صعود قیمت در بازار نمایان می‌گردد و مشوقی برای تولید در سال بعد خواهد شد. بنابر این باید در کشورهای مصرف‌کننده نیز مبارزه جدی با مصرف مواد مخدر صورت گیرد و در نهایت به میان آمدن یک حکومت با کفایت و مسؤول و مسلط بر سراسر افغانستان می‌تواند راه حل این مشکل باشد. این کار فقط در صورتی ممکن است که در افغانستان صلح برقرار گردد. بنابر این کاهش تولید مواد مخدر در افغانستان مانند هر برنامه، در انتظار صلح بوده و تا آن زمان افغانستان همچنان در صدر کشورهای تولیدکننده مواد مخدر باقی خواهد ماند.

وزارت داخله می‌گوید که کابل به مسیر عمده قاچاق و ترافیک مواد مخدر تبدیل شده و پاکسازی آن اولویت کاری آن وزارت می‌باشد. افزایش فعالیت قاچاق و انتقال مواد مخدر بارمسئولیت‌های ما را جدی‌تر و مهم‌تر ساخته است. گفته میشود که مقدار اکثر قاچاق مواد مخدر توسط مقامات بلند رتبه دولتی و یا توسط اقارب آنان که برای قاچاق شیوه‌های مختلفی را در اختیار دارند مانند بانکها، شرکت‌های امنیتی، شرکت‌های ترانزیتی و تجارتي، شرکت‌های هوایی، پولیس اردو، امنیت و غیره توسط پرداخت دالر به ادارات فاسد دولت مشکل خویش را مرفوع می‌سازند.

جان لوک لومایو، مسئول اداره مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان یافته ملل متحد در کابل به مشکل بخش افغانستان یعنی افزایش درمیزان اعتیاد در افغانستان اشاره کرده می‌گفت- با وجود انکشاف و پیشرفت در مبارزه علیه مواد مخدر، میزان اعتیاد در افغانستان افزایش یافته ازحد یک میلیون عبور کرده است. تا هنوز مشخص نشده که در بین یک میلیون چه تعدادی به کدام نوع مخدرات معتاد اند. انتقال مسئولیت‌های امنیتی، کم شدن حمایت قوت‌های بین‌المللی درمبارزه با مواد مخدر و عدم حمایت اردوی ملی از پروسه محو کوکنار و مصروف شدن نیروهای امنیتی، تشویش‌ها را در سطح ملی و بین‌المللی ایجاد کرده است.

قصرهای شیرپور به سازمان‌های امداد‌گر و کارمندان امنیتی شرکت‌های خارجی کرایه داده می‌شود. ویلاهای زیبا با ستون‌های بلند، مجسمه‌های عظیم و چهل چراغ‌های فاخر در منطقه شیرپور شهر کابل، پایتخت کشور با ساختار سنتی و مخروبه شهر تناسب ندارند. آنها در شهری بنا شده‌اند که نزدیک به چهل سال جنگ را پشت سر نهاده است.

گفته می شود این ویلاهای زیبا، عصری و وسیع با پول ها و سودهای بزرگی که از قاچاق مواد مخدر، اختلاس، فساد، رشوه و کمک های مالی جهانی برای باز سازی افغانستان به این کشور پرداخت شده، ساخته شده اند. در حالیکه امکان ساخت چنین ویلا هایی را برای کارمندان ارشد دولت نیز ناممکن می دانند. بعضی، خانه ها، قصرها و ویلاها در کابل اجاره ای برابر ۶۰ هزار دالر دارند. چگونه یک مأمور دولت با معاش ماهانه دولتی می تواند قصرهای لوکس به ارزش دومیلیون و پنجصد هزار دالر داشته باشد، بخصوص وقتی بدانیم که قیمت زمین این قصرها نیز یک میلیون دالر است.

بسیاری بر این نظرند که پول خرید چنین، خانه ها ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با قاچاق پر رونق مواد مخدر دارد. سازمان ملل متحد درآمد سالانه قاچاق مواد مخدر را در افغانستان حدود دومیلیارد و ۶۷ میلیون یورو تخمین می زند. قصرهای بزرگ کابل که بسیاری آنها را "قصرهای خشخاش" و یا شیرپور (شیرچور) می نامند، پس از حمله آمریکا به افغانستان در سال ۲۰۰۱ میلادی ساخته شده اند. دوسال پیش قیمت این قصرها بسیار بیشتر از امروز بودند، زیرا در آن زمان سازمان های امدادگر و کارمندان امنیتی شرکت ها در کابل به دنبال مکانی لوکس برای زندگی مأمورین خود بودند. این ساحه یک منطقه تاریخی بود که قلعه شیرپور نیز درین جا موقعیت داشت. پس از پایان فعالیت ۱۳ ساله این مؤسسات خارجی و خروج اعضای آنها از افغانستان و ترس از بازگشت مجدد طالبان به کابل قیمت این قصرها به شدت کاهش یافت. بی سبب نیست که تابلوهای "کرایه" در قصرهای منطقه شیرپور کابل دیده می شوند. قصرهای مجلل منطقه شیرپور کابل نشانی هستند از اقتصاد افغانستان که از سال ۲۰۰۱ تاکنون میلیارد ها دالر کمک های بین المللی را بلعیده است. بسیاری از سرمایه داران تازه به پول رسیده افغانستان سرمایه خود را به سرعت از کشور خارج کرده اند. آنها از جمله به دبی، ترکیه، پاکستان، تاجکستان یا هند رفته و سرمایه خود را در آنجا ها به جریان انداخته اند. خانم واندا فلباب-براون، محقق امریکایی در امور اقتصاد غیرقانونی مناطق بحران زده، درباره قصرهای منطقه شیرپور در کابل می گوید قصرهای خشخاش " تنها نماد آزادی عناصر فاسد و سوء استفاده از قدرت در افغانستان نیستند، آنها نشانی هستند از بوجود آمدن قشرهایی جدید در کشور فقیر افغانستان که در ده سال گذشته از پولهای بادآورده میلیارد در شده اند.

پایان